

نقد خلق

نامه ملی ادبی اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و ششم

سال اول

پنجشنبه ۵ سرطان ۱۳۴۰

نفاق و خوف زاده همه بد بختیاست

امروز در دنیا همه امور حیاتی مردم بدست خودشان سپرده شده و تمام قضایای اجتماعی شان باستناد رای عامه حل و فصل میشود زمامداران و کسانی که مواظف بامور اجرائیه مملکت اند دایما سعی میکنند سیاست و خط مشی خویش را بااساس احترام رای عامه موضع نمایند - گویا بزرگترین - اساسی ترین و قویترین قوه ملل عبارت از رای عامه بوده و مقدرات مردم و مقدرات کسانیکه در ساحه اجتماعی مثل اند به رای عامه مربوط میباشد - شواهد زیادی موجود است که سیاستمداران بزرگ - روسای جمهور و زمامداران قوی بنجه در اثر کوچکترین بی اعتنائی به رای عامه شکست خورده و ازین رفتنند - علت حقیقی شکست خوردن عصمت انینور حزب مربوطه اش در انتخابات ترکیه عبارت از بی اعتنائیها و بی احترامیهای کوچکی در مورد احترام به حقوق و رای عامه بوده و حتی بصیرین سیاسی پیشگویی مینمایند که مستر توین و حزب دیوکرات امریکانیز شاید در اثر هینجان ارا* عامه در انتخابات اخیر شکست خورده و مقام خویش را بحزب جمهوری خواه واگذارند - این اثر قوی و بزرگ رای عامه فقط و فقط به منجر بودن خلق به راه اصلی خود شان و بانحاد و اتفاق انهادر هدشهای اجتماعی مربوط میباشد از نقطه نظر اسلام نیز اجماع یعنی اکثریت رای عامه و خلق رکن چهارم احکام اسلامی بوده و کذا دین اسلام عزت و خیر را بحضاعت مربوط میداند - پس اگر هموطنان گرامی ما باین حقیقت منجر گردند که خودشان مصدر تمام قوای حیاتی و اجتماعی مملکت بوده و اساسا خلق است که با دادن مالیات و محصولات - عسکر و مستخدم - مامور و مشخص همه قوای حیاتی مملکت را بکلراند اخته - ما شین اجتماع را چه خانیده موراى راحت و سعادت خاک همه چیز را تولید میکند گویا سرچشمه همه ثروتها و اساس و منبع هرگونه قدرتی فقط و فقط خلق بود و تمام اجزا و ارکان دولت بااساس رای عامه تشکیل گردیده و لذا امجبراند

که رای عامه را احترام نمود موبرای رفاه خلق سعی و مجادله نمایند زیرا همه ریشه های حیاتی مملکت در دست خلق و مخصوصا

بدست طبقه جوان مملکت بود هو اگر رشد سیاسی و تربیسه اجتماعی مانند سایر ممالک در مملکت ما نیز تولید شده و استحکام پذیرد پس هیچکس نمیتواند بر خلاف رای عامه قیام کرده و طبعا دران صورت اتفاق و اتحاد مردم بیسک نصب المین اجتماعی - منجر بودن آنها از قوه خویش و عدم خوف شان از قوتها - دسیسه ها و پلانیهای سیاه و تاریک - طبعا بتمام امور حیاتی مملکت نظم و نسق تولید شده و هیچکس نمیتواند بیعیل و مفاد خود یا مقدرات مردم بازی کند - جای بسی تاسف است که در مملکت ما نظریه عدم حاکمیت قانون - عدم آشنا بودن مردم بحقوق شان - احترام رای عامه تقریبا وجود نداشته و چون کارمندان - مقدرات خویش را مربوط به رای عامه ندانسته و فقط خود را مربوط بفلان مقام و چوکی و شخصیت می شناسند پس تمام سعی آنها برای استرضای خاطر ان چوکی مقام و شخصیت بود و هیچگونه وقتی نیز به رای عامه و حتی به رای نمایندگان قانونی خلق نیز نمیکند ارد - در مظا همه اخیر اطلاع میدهند که یکی از کارمندان بزرگ دولت همه فحش و دشنام خود را بنام ملت بر مردم حواله مینمود - کذا نموده ازین رفتار را با خلق در اعیاد - جشن ها و مراسم ملی همه کس بی چشم سر مشاهده میکنند چنانچه مقاله چوبکی ها در روزنامه رسمی انیس که چندی قبل نشر شده بود و هزاران خواننده دیگر برای اثبات این حقیقت خدمت میکنند - پس ای هموطنان گرامی اگر ارزو دارید بسمادات زسته - شرف و ایروی شما حفظ شده و بحقوق شما تجاوزی بعمل نیاید باید بحقوق خود آشنا شود و توسط انتخاب نمایندگان درست و صحیح مقدرات سیاسی و اجتماعی خود را بدست بگیرید زیرا فنا زاد ضعف و نفاق و خوف است - ایرج یکی از شمراى نامدار ایوان چه خوب گفته :

مرگه برای ضعیف امر طبیعیست x هر قوی اول ضعیف گشتوسپس مرد گفت ای جوجه از چشمه سر ز من گشتی x تا نتواند کست بخون کشد و غرور

XXXX در شورای ملی XXXX

جلسه روز دوشنبه ۲ سرطان

نامه نگار خصوصی ما شاعلی عبد الحمید خان مبارز مینویسند که ساعت ۱۰ بجه و ۳۵ دقیقه جلسه مذکور تحت ریاست شاعلی دای بی حضور ۹ نفر وکلا ی محترم شروع شده و شاعلی -

عبد المظیم خان صافی سرمشی شورا و سپس محمد اعظم خان منشی شورا بقرائت بقیه راپور وزارت مالیه برداختند - سپس مذاکرات آغاز و قبل از مذاکره شاعلی نور علم خان وکیل میدان گفت که بعضی وکلا قصد بجمع شدن می آیند و مجلس را از نصاب می اندازند چنانچه سال گذشته نیز با اساس همین عمل شان با آنکه صد ها مواد لا یفحل در شورا موجود بود برای

چندین جلسه نصاب شورا تکمیل نشد من از رئیس مجلس - تقاضا میکنم که درین باره اقدامات نموده و کسانی را که تشریف نمیآورند غیر حاضر سازد - شاعلی دای متذکر شد که از طرف دارالانشا باین مورد اقداماتی شده و حاضری گرفته میشود پس از آن شاعلی محمد انور خان وکیل بگرامی بیا خاسته و از رئیس مجلس تقاضا نمود که قبل از مذاکره به وی موقع داد و ستد

از اجازه رئیس مجلس وکیل صاحب بگرامی بیان کرد که بعضی اشخاص در داخل و خارج شورا برخلاف بقدیر ویانند شوه نموده برویانند چنان میگویند که مظالم عرات و عرایض اهالی بگرامی - شیوکی - سهاک و بشاک را تحریک بنده وانمود سازند و ارزو دایم که مسئله را تعریف نموده و عرایض شروع اهالی را که طبق قوانین صورت گرفته سرکشی و بغاوت معرفی کند در حالیکه اهالی بگرامی باقی نبوده و صرف برای توضیح

مسئله بدرروازه شوابعلی که آخرین مرجع عرایض ملت است آمده و تمنا کردند که مسئله غله خریداری نسبت بوعده رسمی صدر اعظم و نشریه روزنامه رسمی انیس و تصویب شورایعلی فیصله - نموده و ایشلی را از زیر این بارگران نجات بخشند وکلا ی - محترم همه مشعر اند که مردم شن گروهی همیشه در مواقع

آزمایش امتحان خراب داده و شهادت و فدا کارهای شان درج صفحات تاریخ است - ولی مبارزه برای حق فرض مردم بوده و نباید حقوقی را بغاوت و سرکشی حساب کنند این که در باره من پرویا کند می شود لایم است عرض کنم که اگر وکیلی درد های ملت را با اولیای امروز تسلطند و احساسات خلق را بدولت ترجمانی صحیح ننمایند گویا مسئولیت وحدانی خود را اجرا نکرده و سوگند اولی را که در روز وکالت خورده خصم

جان او میشود در خاتمه خواهشمندم برویانند بیان - در شورا باشند و به در خارج شورا ازین گونه برویانند ها که بضرر ملت و دولت تمام میشود دست بکشند .

دای - ممکن است بیانات شما برای رفع این مسئله کافی باشد - قبل از آغاز مذاکره شاعلی عبد المظیم خان صافی سرمشی شورا اظهار داشت که در راپور های وزارت مالیه که در سال ۲۹ و ۳۰ بشورا داده است مبیانت های زیادی موجود بوده و ارقام با هم سر نمیخورند و امسال در چند جا مقدار غله کار آمد را بیشتر نشان داده اند سپس مذاکرات مجلس بترتیب ذیل آغاز شد و شاعلی رئیس شورا اظهار داشت که نوبت اول از آقای دکور محمودی است -

عبد الرحمن محمودی وکیل کلبل - اولاً بنده از دارالانشای شورا رجا میکنم که راپور کمیسیون زمستانی را نیز مانند راپور وزارت مالیه که نشر شده است برای نشر به مطبوعات رسمی بفرستند - ثانیاً در مورد راپور کمیسیون عرض میکنم که چون یکبار بطور عمومی برای استحضاری مجلس راپور مذکور قرائت شد باید بعد ازین به نوبت عرفه آن مفردات تحت بحث

قرار گرفته و پس از اخذ آراء وکلا فیصله شود - اینک بنده راپور خود را در مورد راپور وزارت مالیه که بشورا فرستاده و باصلاح نشر شده است بسمع وکلا ی محترم میروسانم - در صفحه اول راپوریکه توسط نمایندگان دولت بشورا تقدیم کرده اند مینویسند - (که ما برای پیشبرد نظام اجتماعی و حفظ استقلال و تحکیم بنیان زندگانی خود بیک سته فعالیت های ضروری و مربع احتیاج داریم یعنی در سازمان اجتماعی ما

تواضع موجود است که ما برای بقا و موجودیت خود مجبوریم ان را از پیش برداریم - ما با داشتن این تواضع و بیابان موجودیت این حیات ابتدائی و ساده نمیتوانیم درجهان امروز مقیمت و حتی بقای خود را حفظ کنیم - این راپور وزارت مالیه که دیباچه پیش نبوده فقط برای گول زدن

وکلا ی ملت ترتیب شده ما با اعتراضات شان تصدیق میکنیم ولی بحکومت عرض میکنیم که اساساً بقای یک مملکت مربوط بخلق و تساند و اشتراک با همی خلق در راه حفظ شرفیات و نوامیس ملی و جان تناری در راه بقا و مبارزه زندگیت در همه دنیا کارمندان دولت سمی میکنند که با احترام برای عامه یلان و بروزه خود را ترتیب داده ولی در مملکت ما کارمندان دولت قطعاً به رای عامه و وکلا ی قانونی خلق

احترامی را قائل نبوده و قطعا ارزو ندارند که بتوانین مملکت
یا ارا* گرت وکلا که مثل رای علمه خلق است وقعی گذارند
در محاربات اخیره فدا کاریهای عساکر ذول متحارب همزاده
حس فدا کاری و ایثار و مبارزه در راه زندگی بوده ولی علت -
حقیقی اینهمه فدا کاریها همانا عبارت از رفاهیت - سمدات
و رومه با شرفانه بود که در مملکت شلن حاکمیت داشته و گویا هر
کدام سخی میکردند از سر زمینی که ناموس شرافت و ابروی شان
را محافظت مینمود. حمایت نمایند اما بیقانونی و بیمدالتی در
بین قوم بی اعتمادی تولید کرده و روح بی اعتمادی حس فدا
کاری و ایثار را محو و نا بود کرده و چون خود سری - خود رای
الم و استبداد جهنمی برپا میکند پس هیچکس حاضر نخواهد
شد که از جهنم دفاع نماید بلی تساند و تعاون با همی فقط
فقط در سایه اعتماد و اعتبار قول و عمل حکومت بوجود آمده -
میتواند و بس - اگر ملتی بکار گران حکومت اعتماد ند اشتباید
پس هیچگاه روح همکاری و تعاون تولید نشده و لذا چون تدویر
چرخ زندگی بدوش خلق بوده و توده* ملت با قوه خویش چرخ
های ماشین اجتماع را بکار میاندازند پس ما شین حیاتی ان
ملت فلج شده و از کار میافتد - تقویه بنیه اقتصادی يك ملت
امروز مربوط به کار است زیرا کار ثروت حقیقی و اساسی ملل
حساب شده و چون کار زاده فعالیت دست و دماغ است پس از
يك ملت مرخص و کرسنه و پرهنده کاریکه مولد ثروت و مفید با
بوجود آمده نمیتواند - از طرف دیگر تقویه بنیه اقتصادی يك
مملکت باز هم مربوط به روح اعتماد خلق بحکومت است و اگر روح
اعتماد در بین نباشد و شک شبهه و عدم اعتماد در امور حکمران
باشد پس هیچگاه بی مساعدت و مسامت خلق - کار و در نتیجه
ثروت (دولت) تولید نشده و بنیه اقتصادی ملت و در نتیجه
بنیاد اقتصادی دولت کسب قوت نمی نماید - نمایندگان حکومت
در رایور خود اعتراف میکنند که (طرق و شوارع الناسی نداریم -
معارف و مکاتب صحیح و معلمین کافی و درست نداریم - زراعت
ما به سیستم بسیار ابتدائی است و نواقص عمده دارد و تا گون
قدیمی در راه اصلاح زراعت برداشته نشده ...) بلی این
اعترافات شان نیز درست است و ما و همه ملت میدادند که اگر
وزرای مملکت مبالغه گیری را در راه افشا* بند ها صرف کرده اند
نظر بسو* اداره و سو* استفاده و عدم سنجش استفاده* ازان
حاصل نشده و ملیونها پول این ملت فقیر بیهوده درین راه مصرف
شده است (بند سرخاب سقرقه و غیره) و اگر کدام نهی را

کشیده و از پول و کار خلق کارندان حکومت استفاده کرده
اند و صد ها نفر در راه ان جان داده اند باز هم اراضی
مزروع که با عرق ریزی و جانگی های زیاد مردم بوجود آمده
کارندان دولت در بین خود و بند نفر محدودی تقسیم
کرده و بخلق اصلا حصه نداده و یا مشتق از خروار دادند .
(مثل نهر گورکان) پس با این روح بی اعتمادی و مفقستیرستی
ایا باز کارندان حکومت انتظار دارند که خلق در آینده در
راه عفر نهر و کانالی با آنها همکاری کنند ؟ گویا کارندان
حکومت در اثر سو* استفاده و اغراض شخص در هر حرکت و
عمل خود اعتماد خود را در نزد خلق سلب کرده و مردم را
از حکومت مایوس و نا امید گردانیده اند حتی پند سلطان را
در غزنی که مردم ازان استفاده مینمودند بنام تعمیر تخریب
کرده و خلق را از استفاده ان محروم ساختند - بزرگترین
افتخار حکومت تعمیر بند بزرگ بغرا است که از نقطه نظر
تختیک - انجینیری و حسابی قرار اعتراف وزرا ما نه اثرا -
کنترول توانسه و نه قادر باد اراه این دستگاه بزرگ و عصری بوده
و چون نمیتوانیم با اصول عصری اراضی مذکوره را زراعت نمائیم
پس استفاده که باید و شاید و با اقتصاد ما موافق و بمصارف
ما متناسب باشد ازین بند عصری هم نتوانسته و حتی برای -
اباد ساختن اراضی و زراعت با باروی مصنوعی و -
نظر بتوصیه مسترینگد) ما محتاج با جانب بسوده
و طوریکه وزرای دولت در رایور رسمی شلن که بشورا موجود
است اعتراف میکنند این کار بسیار پیش از وقت بوده و حکومت
با ضربه با توان و قدرت علمی و تختیکی و انجینیری و اشخاص
یعنی از اداره این دستگاه بزرگ و علمی و عصری عاجز بوده
و نظر بخدم سنجش و نظر بیسیاست دکاتوری -
و عدم مشور با شورا یعنی در طرح بیان و عقد معاهده با
مورسن کمینی بخلق و بنیه اقتصاد و این ملت فقیر صد میلیون
باز کرده اند خوب ترین شاهد عدم قدرت حکومت در
اداره این دستگاه سرک بین قندهار و من است که از دو
سال با نظر تکمیل شده ولی حکومت در بخدم تسوان
فنی و انجینیری تا امروز نتوانسته است لن سرک را از -
امریکاییها تحویل بگیرند و در ظرف این دو سال به پول
ملت و فاد کمینی تکاعداری میشود - نمایندگان حکومت در
زمینه طبیعی متذکر میشوند که (قسمتی از اراضی مملکت -

کوستانی - قسمتی باقر و قسمتی هم زراعتی بوده ولی نظر به عدم وسایل عصری استفاده درست نمی شود (این گفتار وزرا درست است و ما میدانیم که در بیست سال وزارت مالیه احصایه درستى از اراضى مزروعید ست نداشته و با آنکه خود شان در راپور خود اعتراف میکنند که در جاهاییکه نفوس مملکت متزاید و زمین آباد است اگر اراضی بر خلق تقسیم شود به ۴ - ۵ نفر یک جریب زمین بخراشد رسید - اما و جبراً به محکمه افترا* و ادعا نموده است که محکمه لن راجدا باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده مینمائیم تردید و خاطر نشان میسازد که اگر از عینک خوشبینی بان خبر که هر کارمند بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام مناطق دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق حاصلخیز و سرسبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند صد نفر بولداری است بمقیده بنده اساس خرابی زراعت و عدم استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزروعی مملکت در دست چند نفر تمرکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستى انرا آباد سازند و حالا نکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز است پس در حالیکه خود شان بقلت اراضی اعتراف میکنند پس چرا هزاران جریب زمین مردم را با تهدید و تخویف تصرف کرده و کرده میروند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتماد ثابت شد که حکم بر اساس سیاست شرع انور بوده ولی در نداشته و اصلاً بفکر چاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا این بحر طویل را سرائیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند - پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخصی و ناسا جائز صریح آیا خلق و نمایندگان شان میتوانند با اینگونه کارمندان بزرگ حکومت معاوضت کنند و آیا معاوضت و اعتماد به اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم برای تربیه جنگل - چرا که و زراعت کدام اقدام مؤثر و مفیدی مبین موجود است؟ ندای خلق طوریکه قبلاً توضیح شد نسبت کرده و آیا ما میتوانیم در آینده بگدام استناد از کارمندان حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان حکومت در راپور خود اعتراف میکنند که سویه تعلیمی ما ناقص و بیست و تجارت ما به سیتم جدید نبوده - اساس مالیه اصولی نیست - طرق و شوارع خراب و تقلیات ممدوم است - بلکه همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا* موجوده امروز دارند باسید آینده و بوعده گلستان موعود و خود ساخت خود بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه میکنند گویا ما بوزرای ذیجاه و دانشمندی که مملکت را در اثر قانون شکنی ها - خود رایی ها - خود سرپها و بیعدالتی ها چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا*

تردید يك خبر از طرف محکمه فوق العاده ریاست مطبوعات باسلس قانئون مطبوعات در تحت عنوان فوق این خبر را برای نشر بما فرستاد هاند : در شماره ۲۵ تاریخى ۳ سرطان ندا* خلق غیبری تحت عنوان محاکمه شاذلی صافی نشر و در آن از طرف خود ندا* خلق مجازات صافی را برخلاف فتوای شرع انور باسلس لزوماً شود به ۴ - ۵ نفر یک جریب زمین بخراشد رسید - اما و جبراً به محکمه افترا* و ادعا نموده است که محکمه لن راجدا باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده مینمائیم تردید و خاطر نشان میسازد که اگر از عینک خوشبینی بان خبر که هر کارمند بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام مناطق دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق حاصلخیز و سرسبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند صد نفر بولداری است بمقیده بنده اساس خرابی زراعت و عدم استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزروعی مملکت در دست چند نفر تمرکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستى انرا آباد سازند و حالا نکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز است پس در حالیکه خود شان بقلت اراضی اعتراف میکنند پس چرا هزاران جریب زمین مردم را با تهدید و تخویف تصرف کرده و کرده میروند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتماد ثابت شد که حکم بر اساس سیاست شرع انور بوده ولی در نداشته و اصلاً بفکر چاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا این بحر طویل را سرائیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند - پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخصی و ناسا جائز صریح آیا خلق و نمایندگان شان میتوانند با اینگونه کارمندان بزرگ حکومت معاوضت کنند و آیا معاوضت و اعتماد به اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم برای تربیه جنگل - چرا که و زراعت کدام اقدام مؤثر و مفیدی مبین موجود است؟ ندای خلق طوریکه قبلاً توضیح شد نسبت کرده و آیا ما میتوانیم در آینده بگدام استناد از کارمندان حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان حکومت در راپور خود اعتراف میکنند که سویه تعلیمی ما ناقص و بیست و تجارت ما به سیتم جدید نبوده - اساس مالیه اصولی نیست - طرق و شوارع خراب و تقلیات ممدوم است - بلکه همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا* موجوده امروز دارند باسید آینده و بوعده گلستان موعود و خود ساخت خود بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه میکنند گویا ما بوزرای ذیجاه و دانشمندی که مملکت را در اثر قانون شکنی ها - خود رایی ها - خود سرپها و بیعدالتی ها چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا*

انها بتوانند گلستان موعود و خیالی و خوش آب و هوای خود را ساخته و کاردانی خود را بملت ثابت کند ولی باید بدانند که از موده را از مودن خطا است - در حالیکه در ۲۰ سال هزاران شواهد و اسناد ثابت میکند که هیچ عملی انما برای مملکت مفید و مؤثر واقع نشده و سویه تعلیمی روز بروز یا بین تر شده و در اثر تبدیل نصاب و پروگرام - تعلیمی از فارسی به پشتو و باز از پشتو به فارسی عمداً و بیسها محصلین را بیسواد ساخته و با پلانهای اقتصادى - عالمانه خود خلق را برشته و فقیر گردانیده و خلاصه مملکت را غراب - قلوب مردم را جریحه دار و مملکت را جهنم ساخته